

ترور شخصیت (Personality Terror)

بهرام رحمانی

bahtram.rehmani@gmail.com

تروریسم با ایجاد ارعاب و وحشت در جامعه و عمدتاً توسط حکومت‌های دیکتاتوری اعمال می‌شود. کاربرد خشونت و پرخاشگری و افترا زنی از مولفه‌های اصلی در تعریف تروریسم است. روان‌شناختی اجتماعی از جمله در زمینه بررسی اختلالات در ارضای نیازهای بشر امری مهم است. تحلیل سیستماتیک روان‌شناختی اذعان می‌دارد که برخی از حوادث ترور شخصیت معلول وجود آسیب و اختلال در فرد مهاجم است.

حکومت اسلامی ایران نه تنها در جامعه ایران بلکه در سطح بین‌المللی به حکومت ترور و اعدام و فاسد معروف است. این حکومت جانی در مقاطعی که در داخل و خارج کشور و در سطح بین‌المللی در معرض بحران و انزوا قرار می‌گیرد یکی از اعمال شناخته شده‌اش، تهدید و زندان و شکنجه و اعدام مخالفین در داخل کشور و ترور فیزیکی و شخصیتی و تخریب فعالین سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری در خارج کشور است.

اکنون چنین شرایطی بر حکومت چهل و جنایت و ترور و اعدام اسلامی ایران حاکم است و به همین دلیل، دست و پا می‌زند تا با آفریدن جنایت‌های تازه حاکمیت خونین و وحشی خود را برای چند صباح دیگری حفظ کند. مامورین و سربازان گمنام و امام زمانی این حکومت تبه‌کار، حتی باز هم در کشوری مانند «سوند» با هدف ایجاد رعب و وحشت از در و دیوار مخالفین خود بالا رفته و یا به طرق مختلف با تهدید و ارعاب در تلاشند «خودی» نشان دهند.

چنین تلاش‌هایی نه نقط قوت این حکومت، بلکه برعکس نقطه ضعف و زبونی و درماندگی آن، و البته رشد مبارزه و مقاومت مردم حق طلب و آزاداندیش و عدالت‌جو جامعه ما را به نمایش می‌گذارند.

باید توجه کرد که ماهیت تروریستی و وحشی‌گری حکومت اسلامی تغییر نکرده و اگر اکنون نمی‌تواند مانند سابق در خارج کشور دست به ترور فعالین سیاسی و فرهنگی و هنری بزند تغییر ماهیت تروریستی آن نیست بلکه شرایط مانند گذشته برای چنین جنایتی فراهم نیست. بنابراین فعالین سیاسی خارج کشور نباید نسبت به این اقدام جنایت‌کارانه حکومت بی‌تفاوت باشند. ضرب‌المثلی داریم که گفته می‌شود «نیش عقرب نه از ره کین است / اقتضای طبیعتش است.»

متأسفانه باید اضافه کرد که در این میان سازمان‌ها و افرادی نیز هستند که آگاهانه و یا ناآگاهانه و صرفاً به‌خاطر جدایی راه‌هایشان و یا خودخواهی و خصومت و کدورت و عقده‌گشایی دست به ترور شخصیت رفقای دیروزی‌شان می‌زنند. به‌طوری که با ترور شخصیتی حکومت اسلامی هم‌صدا می‌شوند و زمینه را برای ضربه زدن به فرد مورد نظر فراهم می‌سازند. در حالی که این افراد نه تنها عامل حکومت اسلامی نیستند، بلکه به‌شدت با آن مخالفند و شاید هم در حرکت‌های اعتراضی اپوزیسیون در خارج کشور، مشت‌های گره‌کرده خود را محکم‌تر هوا کنند و شعار «سرنگون باد حکومت اسلامی» را رساتر از دیگران فریاد بزنند!

اساساً نباید هیچ انسان آگاه و منطقی به خودش اجازه دهد که اختلاف سیاسی و شخصی و جدایی به یک خصومت و دشمنی کینه‌توزانه و آبسه‌ای چرکین تبدیل کند به‌طوری که مورد بهره‌برداری و سوءاستفاده سیاسی دشمنان مردم و افراد ناباب و ناهنجار قرار گیرد.



ترور شخصیت (Personality Terror)، تلاشی برای «بدنام» کردن یک فرد است. این عمل شامل اشاعه موارد دروغ و گمراه‌کننده و اغراق‌آمیز و یا دست‌کاری حقایق با هدف ارائه تصویر نادرست از فرد مورد نظر است. ترور شخصیت نوعی از افترا است که می‌تواند علاوه بر فرد، خانواده و اطرافیان او را نیز شامل شود.

ترور شخصیت پیشینه‌ای تاریخی دارد و در طول تاریخ از آن به عنوان جایگزینی برای حذف فیزیکی افراد به کار گرفته شده است. در این روش افرادی که منافع فرد یا گروهی و دولتی را به خطر انداخته‌اند، به قصد منزوی شدن و بدنام ساختن، توسط آنان مورد حمله قرار می‌گیرند.

گاهی در شیوه‌های جدید توسط حکومت‌های مستبد، ترور فیزیکی جای خود را به ترور شخصیت می‌دهد. در زمان‌هایی که نتوان فردی را ترور فیزیکی کرد و یا نباید افراد مورد ترور فیزیکی قرار گیرند، سعی می‌کنند از طریق عوامل تبلیغاتی جنگ روانی و با استفاده از وسایل ارتباط جمعی، شخصیت‌های مطرح و موثر را به زیر ذره‌بین کشیده و از راه‌های غیرواقعی، ارائه اطلاعات ساختگی و جعلی، پرونده‌سازی، شهادت‌های دروغ، تحریف حقایق، آنان را ترور شخصیت نمایند.

امروز برای ترور کردن از طریق وسایل ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد که هدف آن ترور انسان‌ها از طریق به تصویر کشیدن چهره‌ای ساختگی و دروغین است.

هدف اساسی در ترور شخصیت، تغییر نگرش و رفتار مخاطبان به شخص مورد نظر است. چنانچه تخریب شخصیت و منزلت فرد و تحریف آراء و افکار وی با موفقیت صورت بگیرد و افکار عمومی تبلیغات منفی علیه او را بپوشاند، نسبت به وی بی‌اعتماد شده و حتی ممکن است ناآگاهانه زمینه ترور فیزیکی او را فراهم سازند. به همین دلیل می‌توان گفت که ترور شخصیت به نوعی پیش نیاز ترور فیزیکی است. ترور شخصیت، همواره در طول تاریخ به شکل‌های مختلف علیه فعالین سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری وجود داشته است. گاهی حتی در بروز اختلافات و کشمکش‌های فامیلی و خانوادگی نیز اغلب ناآگاهانه و شاید از سر خشم و انتقام‌گیری از این روش استفاده می‌شود تا احياناً به پایین آوردن ارزش و جایگاه اجتماعی فرد منجر شود. در واقع در این روش از اطلاعات نادرست و ساختگی برای تخریب شخصیتی و روانی افراد بهره گرفته می‌شود.

عاملان ترور شخصیت، برای تخریب و تضعیف افراد مورد نظر خود، از روشی شناخته شده تبعیت می‌کنند. در فرآیند ترور شخصیت، ممکن است، هر چه دروغ بزرگ ساخته شود تا ضریب لطمه زدن به فرد مورد نظر افزایش یابد و موثرتر واقع گردد.

این عاملان فرد مورد نظر را به عنوان شخصی منحرف معرفی می‌کنند تا نخست شخصیت او را مورد ترور و تخریب قرار دهند و سپس برای اثبات گفته‌های خویش، جعل و سندسازی کنند. روش دیگر هم این است که نخست عوامل و نشانه‌های متعددی را به هم می‌بافند و سپس سوژه مورد نظر را به عنوان یکی از مصادیق از این عوامل و نشانه‌ها معرفی می‌کنند. در واقع این نوع استراتژی‌ها نوعی تخریب و ضربه زدن به فرد مورد نظر است. آن‌ها از طریق دروغ‌هایی که در حالت عادی گوش شنوایی ندارند، در مقاطع مختلف احتمالاً فرصتی که گیر آورده‌اند تا سوژه مورد نظر را تخریب کنند. اما مسلم است که در حالت عادی یک فرد سالم و یا یک چهره شناخته‌شده را نمی‌توانند به راحتی تخریب کنند. چرا که از همان ابتدا قصد عاملان ترور بر ملا می‌شود. به علاوه قبل از آن‌که خود شخص به جواب‌گویی برخیزد، انسان‌های آگاه اطرافش چنین اقدامی را محکوم می‌کنند و میدان نمی‌دهند تا تهمت و افترا زندگان زمینه مناسبی و گوش شنوایی برای دروغ‌ها و عقده‌گشایی‌های خود گیر بیاورند.

ایجاد شک و بدبینی، برهم زدن روابط انسانی، اصلی‌ترین هدف آن‌هاست به طوری نوع نگاه و نگرش افراد نسبت به فرد و یا افراد دیگر را به نفع خود تغییر دهند. حتی تلاش می‌کنند که ویژگی‌های مثبت فرد که اصلاً جایی برای تخریب ندارد، به دیده شک و تردید نگریسته شود.

اما اغلب چنین روش‌هایی می‌تواند اقدامات عاملان ترور فیزیکی را برای حاکمانی چون حکومت اسلامی فراهم سازند. در چنین مواقعی، وجود یک دشمن فرضی می‌تواند سرپوش مناسبی برای اقدامات غیرانسانی و غیراخلاقی و ناعادلانه باشد. استفاده از این شیوه خود می‌تواند به عوامل حکومت اسلامی و تقویت اهداف و انگیزه‌های آن‌ها برای اقدام علیه سوژه مورد نظر کمک کند.

در واقع با ایجاد این حس بدبینی جامعه نسبت به سوژه معین و سیاه‌نمایی علیه فرد مورد نظر، یک نوع خلاء امنیتی ایجاد می‌شود که عاملان ترور اقداماتی را بر علیه سوژه مورد نظر اعمال کنند.

تروریسم حکومت اسلامی در این چهار دهه، نشان داده است که اگر نمی‌توانند دست به ترور فیزیکی بزنند در مقابل تلاش می‌کنند مستقیم و غیرمستقیم گذشته و حال و سابقه حقیقی فرد مورد نظر خود را تخریب کنند. یا با اقدامات دیگری شخصیت مورد نظر را تحت فشار قرار دهند و برای او جنگ روانی ایجاد کنند. البته زمانی که فرد دارای وجهه و سابقه مثبت و سازنده و تاثیرگذار باشد، کار عاملان ترور را با دشواری روبه‌رو می‌کند. اما تحریف ماهیت فرد، به اصلی‌ترین اقدامات آن‌ها تبدیل می‌شود، به طوری که نام آن را در اذهان عمومی تخریب کنند. در واقع آن‌ها دست به جعل‌سازی‌هایی می‌زنند تا هویت انسانی و اجتماعی واقعی فرد مورد نظر را از بین ببرند، و با تصویرسازی‌هایی که درست می‌کنند، هویتی کاذب و جدیدی برای او بسازند.

عاملان حکومت اسلامی ایران، همیشه در کمین نشسته‌اند تا نقاط ضعفی را علیه فعالین سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مخالف خود در داخل و یا خارج کشور بیابند، و از آن به‌عنوان حربه تخریب، علیه آن‌ها استفاده کنند و مورد سرکوب روحی و روانی قرار دهند. در مدت زمان اندکی انواع و اقسام اتهامات بی‌پایه و اساس و برجسب‌های دروغین به فرد می‌زنند. شخصیت فرد را با برجسب‌های مختلفی مورد تخریب قرار می‌دهند.

حکومت اسلامی چهل سال است که با کشاندن بسیاری از شهروندان به زندان، تشکیل پرونده، دادگاهی کردن او، اعتراف‌گیری‌های اجباری در زیر شکنجه و تهدید و پخش آن از تلویزیون، وجهه و اعتبار زندانی را زیر سؤال برند. در حالی که بسیاری از پرونده‌های روشنفکران و متفکران، اهل قلم، شخصیت‌های فرهنگی، ربط مستقیمی به سیاست مخالفت مستقیم با حکومت نداشته است. با چنین پرونده‌سازی‌هایی قصد بر این است که طیفی از جامعه طرفدار شخصیت مورد نظر را تضعیف کنند.

زمانی که مامورین امنیتی و قوه قضاییه و سایر ارگان‌های امنیتی نمی‌توانند جرمی را علیه زندانی سیاسی پیدا کنند، با اتهامات ساختگی، جعل واقعیت‌ها، ساختن شاکیان خصوصی، شهادت‌های دروغین علیه او بسیج می‌شوند تا از این طریق دروغ‌پردازی‌ها، وجهه «قانونی» پیدا کنند. یکی از توطئه‌هایی که در سازمان‌های جاسوسی دنیا از جمله وزارت اطلاعات حکومت اسلامی ایران کاربرد فراوان دارد پاپوش درست کردن است. یعنی به‌شکلی ساختگی شرایطی فراهم آورند که فرد یا کشوری را متهم جلوه بدهند. از شیوه‌های مورد استفاده:

- جعل و تقلب و تصویرسازی جعلی به‌منظور پرونده‌سازی و وارد کردن اتهام یا تخریب کردن وجهه انسانی و اجتماعی فرد.

- تحریک فرد یا کسانی و ارگان‌هایی برای اقامه دعوا از شخص یا بر اساس دلایل واهی و بی‌اساس یا بر پایه مدارک جعلی.

- به دروغ علیه فردی در مجامع رسمی شهادت دادن و یا قسم دروغ خوردن.

- از انحرافات اخلاقی او سخن به میان می‌آورند و به زندگی خصوصی فرد وارد می‌شوند. به دروغ و کذب به فرد نسبت‌های ناروا می‌دهند. و حتی برای اثبات گفته‌های خویش افرادی دست‌نشانده را به‌عنوان شاهد می‌آورند تا از فرد به‌دلیل فساد اخلاقی شکایت کنند و شهادت دهند.

- خراب کردن و بدی یاد کردن، سر زبان‌ها انداختن، توهین و بی‌حرمتی کردن، تهمت‌زدن به فرد، به‌طوری او را یک انسان پلید، بد سیرت و ... تداعی کنند.

- در قالب سیاست تواب‌سازی، نه تنها بازجویان زندانیان را نه تنها مجبور به نفی گذشته‌شان می‌کنند، بلکه گاهی حتی از ایشان می‌خواهند تا علیه هم‌زمان‌شان به اقداماتی عملی دست زنند.

در نتیجه اولین و مهم‌ترین تاکتیک برای تواب‌سازی قطع هرگونه پیوند با سازمان‌ها و نهادهایی است که در گذشته فرد به آن‌ها تعلق داشته است. هدف اصلی از اعتراف‌گیری، علاوه بر بی‌اعتبار کردن آن سازمان و نهاد اجتماعی فرد، تحریف ماهیت فرد هم است، به‌طوری که هویت آن در اذهان عمومی خدشه‌دار شود.

- بعد از فرآیند بی‌اعتبار سازی، قصد بر این است که شخص از صحنه فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی کنار رود و در اذهان عمومی به فراموشی سپرده شود.

- هدف اساسی در ترور شخصیت، تخریب شخصیت و منزلت فرد و تحریف آراء و افکار وی است تا افکار عمومی تبلیغات منفی علیه او را باور کنند، نسبت به وی بی‌اعتماد شده و حتی ممکن است علیه او تحریک شوند. برای همین می‌توان گفت ترور شخصیت پیش‌نیاز ترور فیزیکی است.

تبلیغات سیاه و سیاه‌نمایی و بهره‌گرفتن از روابط و شبکه‌های اجتماعی همچون فیس‌بوک و ... توانایی سیاه‌نمایی کاری را دارند که در اصل اتفاق دلیلی برای اثبات آن و یا روشن کردن مصادیق زشت یک عمل به دست نمی‌آید. در واقع نشان دادن تصویر وارونه و مخوف از فرد و ساختن معرفی‌نامه‌های غیر واقعی از او.

- ساخت و یا مونتاژ فیلم و تصاویر جعلی و غیر واقعی و یا غیر اخلاقی برای فرد. چنین اعمالی یک جرم وحشتناک، بی‌رحمانه و غیراخلاقی است که نمی‌توان برای وقوع آن مجازاتی تعیین کرد. اما با این وجود ترور شخصیت، جرمی است بی‌مجرم.

نهایتاً در این نوشته تلاش کردم در مورد ترور شخصیت تعریف و دیدگاه علمی و نسبتاً همه‌جانبه‌ای ارائه دهم که دست‌کم در این چهار دهه گذشته حاکمیت جمهوری اسلامی با آن‌ها مواجه بودیم و هنوز هم هستیم. اما متأسفانه برخی شهروندان نیز تحت تاثیر چنین تبلیغات و ترویج‌های مداوم حکومت اسلامی و رسانه‌های آن قرار گرفته‌اند به‌طوری که ترور شخصیت یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد تنش و سوءاستفاده بین افراد و یا برخی سازمان‌ها در جامعه تبدیل شده است.

ترور شخصیت نوعی از افترا و دروغ و ریاکاری است که می‌تواند علاوه بر علیه سازمان و نهادی باشد که فرد در آن‌ها فعال است و در عین حال خانواده و اطرافیان او را نیز شامل شود. در طول تاریخ حکومت‌ها و گاه سازمان‌های سیاسی و حتی رفقای دیروزی از آن به‌عنوان حربه‌ای علیه همدیگر استفاده کرده‌اند. گاهی شیوه‌های ترور فیزیکی

دولتی، جای خود را به ترور شخصیت داده است. گاهی نیز توسط رفقای دیروزی و یا حتی اقوام علیه همدیگر و با هدف انتقام‌گیری اعمال شده و مشغله و درگیری روانی ایجاد شده است. چنین اقدامی باعث می‌شود حتی شخصیت‌های برجسته و بانفوذ سیاسی و اجتماعی و فرهنگی نیز نزد مخاطبان و طرفداران‌شان دچار بی‌مهری و تخریب قرار گیرند. باید چنین روش‌ها مخرب را با قدرت محکوم کرد و به هیچ عنوانی و توجیهی نباید به چنین رفتارهای زشت و غیراخلاقی میدان مانور داد. مهم‌تر از همه، نباید تروریسم حکومت اسلامی را در شرایط موجود حساس و بحرانی ایران و منطقه و جهان دست‌کم گرفت و نسبت به آن بی‌تفاوت شد!

اما آن‌چه که مسلم است عوامل و جاسوسان نفوذی حکومت اسلامی ایران، جدا از تحرکات، سوءاستفاده از موقعیت‌ها و انسان‌ها، فریب‌دادن‌ها و خودفریبی‌ها، خودنمایی‌ها و غیره، همواره در دلهره و نگرانی و ترس دائمی به‌سر می‌برند. آن‌ها، همواره نگرانند روزی که شناسایی شدند چه بر سرشان پیدا خواهد آمد. البته ما کنشگران سیاسی و فرهنگی خارج کشور همانند میلیون‌ها انسان رنج‌کشیده و دردمند و در عین حال مبارز و نترس داخل کشور، نه تنها در مقابل تهدیدها و سرکوب و زندان و اعدام و ترور حکومت اسلامی ترس و واهمه‌ای نداریم، بلکه با تمام توان و قدرت و امکانات در جهت سرنگونی کلیت این حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی گام‌های جدی برمی‌داریم. ما به‌کلی و زیربنایی به‌دنیای آزاد و برابر و مرفه پس از حکومت اسلامی می‌اندیشیم و برنامه‌ریزی می‌کنیم!

سه‌شنبه پانزدهم مهر ۱۳۹۹ - ششم اکتبر ۲۰۲۰

*طرح از پیکاسو